



گزارش

ضمیمه نوجوان

شماره ۴۶ ■ ۹ بهمن ۱۳۹۹

نوجوان  
جام جم



امیرحسین  
علی نیافرد

## هر نوجوان، عزیز دل نوجوانه است



بعد از آن هم عطیه ضربی شعری را که به تازگی در وصف نوجوانه سروده بود خواند: قصه از آن اوایل بهمن جوانه زد فکری که بر ضمیر دبیری نشانه زد جامی به لطف جم خبر آورد سوی ما جای ضمیمه های شما نیست در خفا...! ما هم از آن جهت که پر از شوق و کوششیم با سر قبول کرده و در راه چالشیم اینجا برای دغدغه هاما ن غلم شده اصلا سلاح فکر و تفکر قلم شده خوشحال از این که پیش شما پایه پای هم... هر پنجشنبه حمله به اوراق جام جم! اینجا برای هر قلمی آشیانه است هر نوجوان، عزیز دل نوجوانه است...

سرآغاز برنامه قرائت دو متن بود توسط دونفر از اعضای تحریریه. ابتدا خانم کریمی که از اعضای فعال است و اهل خمینی شهر اصفهان، متنی را خواند که خیلی زود فهمیدیم زبان حال دبیر تحریریه ضمیمه است؛ یعنی زهرا قربانی. مخصوصا وقتی به این جای متن رسید: «یه ساله سردیر رسیدن بچه ها به جلسه تحریریه حرص می خورم، یه ساله سر نرسوندن محتواها خط و نشون می کشم و عمل نمی کنم، یه ساله دستام با خودکار طناب پیچ شده میز آقای لوری (صفحه آرا) جوهری می شه، یه ساله کلی رفیق پیدا کردم از مشهد تا مرز پاه...»

## کوتاه، با بچه ها



بود هم تعریف کرد: «یادمه که ۱۴ مهر ماه تازه به گروه ضمیمه نوجوانه ملحق شده بودم و در ۱۳ آبان ماه بود که متنی برای ضمیمه نوشتم. اما آن پنجشنبه نوجوانه چاپ نشد من با خشم زیاد به دبیر ضمیمه پیام دادم و گفتم اگه قراره این کارو پروژه نوجوون هم مثل بقیه کارها نیمه تمام رها بشه من دیگه فعالیتی نمی کنم! اما با گذشت زمان من فهمیدم اینجا با همه جا فرق داره،» راستی امیرعلی اوایل توی صفحه قلمرو می نوشت اما الان صفحه معرفی رو می گردونه. از میان دختران حاضر در جشن، مریم امام از حضورش در بخش های مختلف نشریه گفت. از نوشتن شعرو داستان برای قلمرو گرفته تا متن برای ستون سواد رسانه ای و حالا هم که مسئولیت صفحه کلاف بر دوش اوست. مطالبی که تهیه پژوهش های آن به عهده محمد طائب است. راستی یک میز هم دختران مدرسه فرهنگ بودند. همگی دست به قلم و توانمند.

بعد از خواندن متن های ادبی نوبت به این رسید که هر کدام از بچه ها خودش را معرفی کنند و حرف دل شان را هم خیلی کوتاه بزنند. البته برخلاف تصورمان، پسر ها اصلا مراعات زمان را نکردند. برعکس دختر ها که گاهی حتی به معرفی خودش اکتفا کردند و فرصت را در اختیار نفر بعدی قرار دادند. امیرحسین رستمی از این گفت که با شرکت در دوره های نوجوان خلاق مجتمع شهید آوینی با ضمیمه آشنا شده. او که از نویسند ه های صفحه قلمرو است ابراز خوشحالی کرد از این که نوجوانه فرصتی برای کاری جز درس خواندن و فکر کردن به کنکور در اختیار نوجوان ها قرار داده. دوست صمیمی او یعنی ابوالفضل مهربانی هم برایمان تعریف کرد که چطور خیلی اتفاقی چشمش به گوشی رستمی افتاده که داشته محتوایی را برای نوجوانه ارسال می کرده و همین اتفاق باعث شده پای او هم به قلمرو باز شود. امیرعلی حبیبی که از کرمان خودش را رسانه

## نگاهی به اتفاقات تولد

# گزارش

جمعه سوم بهمن برای من و تعدادی دیگر از نوجوان ها روز خاصی بود. تقویم نوجوانه ای مان رسیده بود به اولین سالگرد. همین بود که دور هم جمع شدیم؛ البته در عین حفظ و رعایت پروتکل های سلامت در شرایط کرونایی.



## سخن

بعد تمام حرف و صحبت های بچه ها با مدیران نوبتی هم که باشد نوبت مدیران بود که حرف و نظرات خودش را درباره ضمیمه اعلام کنند. **قندهاری، مدیرعامل موسسه جام جم:** به ما می گویند مدیران جوان اما با این تلاشی که بنده از شما نسل نوجوون و جوون می بینم، حاضر حتی زودتر صندلی خودم را به شماها تقدیم کنم. **عرفاتی، مدیرمسئول روزنامه جام جم:** قبل از انتشار شماره یک ضمیمه نوجوانه، من کمی تردید و کمی ترس داشتم از این بابت که هفته نامه نوجوانه یک سال دوام نیاورد. اما بعد از سه شماره اول که این حجم از اشتیاق و کوشش رو در نوجوون ها مشاهده کردم، دلم قرص و خیالم از گروه ضمیمه نوجوانه راحت شد. در زمان ما، نو رو دی ها رو تحقیر و به اونها سخت می گرفتند اما ما سعی می کنیم تازه واردها را تحویل شان بگیریم و راه را برایشان مهیا سازیم.

